

معرفی اثباتی مکان‌ها تاریخی - اسلامی مکه مکرمه

(با استناد به تواتر علمی و تواتر محلی)

بهرروز رفیعی^۱

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

میقات

۷۶

معرفی اثباتی مکان‌های تاریخی - اسلامی مکه مکرمه

شماره ۷۷ - پاییز ۱۳۹۰

چکیده

در این باریکه سخن پس از اشارتی بس کوتاه به آنچه بر سر مکان‌های مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره به دست قوم وهابی رفته است، از محتوای کتاب «الاماکن المأثورة المتواترة فی مکه المکرمة: عرض و تحلیل» نوشته دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابو سلیمان سخن می‌رود و سپس به معرفی رهیافت مؤلف محترم کتاب در این اثر گرانسنگ پرداخته می‌شود و در فرجام مقال، از ترجمه این کتاب اندکی یاد می‌شود.

کلید واژگان: مکان‌های تاریخی، مکه مکرمه، تواتر علمی و محلی، رهیافت ابو سلیمان،

وهابیان

مقدمه

با تخریب شماری پرشمار از مکان‌های تاریخی - اسلامی در دو شهر مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره که به بهانه‌های واهی رخ داد، احساسات مذهبی مسلمانان نادیده انگاشته و چنان رفتار شد که پنداری در جهان جز قوم وهابی حاکم بر حجاز، مسلمانی نیست. مسلمانان به زودی به عمق فاجعه پی بردند و در پی چاره برآمدند اما دیگر کاری جز زنده نگاه داشت یاد و نام مکان‌های از دست رفته در سینه کتاب‌ها نمانده بود؛ از این رو، کتابی چند در باره مکان‌های مقدس برجای مانده و از میان رفته این دو شهر، قلمی گشت. طرفه آن که در این میان کتابی از دل قوم وهابی پدید آمد که از نوع دگر است و به اعتبار ارزش کار، پژوهشکده حج و زیارت به ترجمه آن همت گمارد. این جستار در پی معرفی آن کتاب و این ترجمه است.

پشت پا به آثار نیاکان پاک قوم و میراث امت

در مکه امروزی، بیشینه مکان‌های تاریخی - اسلامی، از میان رفته است و از آن‌ها جز نام و یادى برجای نمانده است. برای معرفی اثباتی مکان‌های دیروزین مکه مکرمه باید کاری می‌شد چه، با رفت زمان و آمد نسیان، نام و یاد این مکان‌ها از ذهن و زبان مردم زدوده می‌شود و دور نمی‌نماید که در آینده روزی، برای تطهیر دامن ویرانگران، اصل بود و وجود این مکان‌ها از پایه بن، انکار گردد.

باری، میراث فرهنگی هر ملت آینه گذشته آن است؛ از این رو، دولت‌ها در سراسر جهان می‌کوشند این آینه‌ها هرچه بیشتر کشف و بازسازی و بازآفرینی شوند و جلا پذیرند و از دست گزند روزگار در امان بمانند تا آیندگان از گذشته و گذشتگان بی‌خبر نمانند و پیشینه تاریخی ملت فسانه نشود. اما در حجاز، نه این می‌اندیشند و کار دگر می‌کنند؛ چه، بزرگان این قوم بر این باورند که: «بزرگ داشت مکان‌های تاریخی جایز نیست؛ زیرا ممکن است مردم گمان برند این مکان‌ها ارزش معنوی دارند و این به شرک می‌انجامد!»^۱ چون چنین است، برای موحد مانندن خلایق، وهابیان با یورش به مکان‌های مبارک^۲ در شهرهای مقدسی چون: مکه، مدینه و کربلا، پای کوبان تا توانستند کوفتند و سوختند و کشتند و بردند و آن مایه گستاخ گشتند که اگر پایمردی مدنیان نبود، اکنون از مسجدالنبی و مبارک بارگاه نبوی نیز، چونان بقیع، جز تلی از خاک نمانده بود.

گذر از عمر به محمد بن عبدالوهاب

وهابیان گراف می‌بافند که پیرو خلفای راشدند؛ چه، نخستین کسی که بر مزار مبارک نبوی بنایی نهاد، عمرین خطاب است.^۳ اما امروزه همین جماعت، اگر می‌توانستند، از آنچه بر مزار مبارک نبوی است هیچ برجای نمی‌گذاشتند؛ مگر این قوم مدعی نیستند که خانه خدیجه کبری علیها السلام پس از مسجدالحرام برترین مکان مکه مکرمه است؟ آیا امروزه اینان از این خانه مقدس چیزی برجای نهاده‌اند؟

ناتوان از درک و دریافت

قوم وهابی چنان کرده است که پنداری تفاوت از زمین تا آسمان، میان مکان‌هایی که پیامبر خدا^۴ و اهل بیت او علیهم السلام در آن‌ها آمد و شد کرده‌اند و نماز گزارده‌اند و به هر روی، با آن ذوات مقدس نسبتی دارند یا دیگر مکان‌ها را در نمی‌یابد، از این روست که اینان - بر خلاف گذشتگان خود که حتی در باره خرده ریزها و متعلقات خانه خدیجه کبری کتاب می‌نگاشتند -^۵ چنان بی‌پروا گشتند که حتی خانه خدیجه کبری که فرودگاه وحی و زادخانه زهرا است را تخریب و جای آبریز کردند^۶ و زادخانه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را ویران و محل آن را علفخانه چارپایان نمودند!^۷

آن که از او جز این انتظار نیست

مگر از قومی که پیشینانش با پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت او علیهم السلام آن کردند که می دانیم و نگوییم، و پسینانش هر مسلمانی را که چونان آنان نیندیشد مشرک تر از عربان جاهلی می داندند^۱ و خود را چنان در آتش توحید ناب، سوخته می پندارند که شأن پیامبر صلی الله علیه و آله فرو می کاهند و به کفر گویی می رسند و تالاف می بافند^۲ و زنا می بندند^۳ و با نامسلمان حربی رقص شمشیر می کنند و مسلک اسلام صهیونیستی می گسترانند،^۴ جز این انتظار می رود؟

واکنش از درون

باری شناعت کار، آن مایه است که از همان آغاز، ردیه نویسی بر وهابیت در میان اهل سنت آغاز گشت و کسانی چون سلیمان بن عبدالوهاب (برادر محمد بن عبدالوهاب) با پرداختن کتاب «الصواعق الالهية في الرد على الوهابية» و احمد زینی دحلان با نگارش «الدرر السنية في الرد على الوهابية» و محمد بن عفالق با تحریر «رسالة في رد ابن عبدالوهاب» و ابن سویدی با نوشتن کتاب «المشكاة المضية رداً على الوهابية» و محمد کرد علی با کتاب «الوهابية والشبهات في القديم والحديث» و محمد عزة دروزه در کتاب «يهود الحجاز» به رد وهابیت و انتقاد از اندیشه و رفتار وهابیان قلم سودند و دیر نپایید که انبوهی از این دست آثار پدیدار گشت.^۵

قلمداران سوته دل

طبیعی بود که چندان نپاید و دلسوزان قلمزن برای معرفی مکان های تاریخی، به ویژه مساجد و مزارات برباد رفته و برجای مانده در مکه مکرمه و مدینه منوره چاره ای کنند. این دست آثار کمابیش به قلم غیر وهابیان پرداخته شده است.

کاری از نوع دیگر

آن چه در این میان غریب افتاده، نگارش کتابی در بازشناخت آثار تاریخی - اسلامی مکه مکرمه، به قلم یکی از عالمان رسمی دستگاه وهابی، دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان^۶ - از اعضای شورای علمای اعلم عربستان و عضو هیأت تحریریه دانشنامه بزرگ مکه مکرمه و مدینه منوره - و نشر آن در موسسه فرقان به ریاست احمد زکی یمانی وزیر اسبق نفت آن کشور است.

از رؤیای احیا تا چاره کار

امروزه در فراق جان‌گزای این مکان‌های مقدس، هر کاری جز احیای آن‌ها - به رؤیا می‌ماند - راستی که مویه بر آب رفته از جوی است؛ چرا که آن‌چه نشاید، شد و فاجعه‌ای سخت مصیبت‌بار روی داد و شماری پر شمار از مکان‌های تاریخی بس مقدس در ام القریای جهان اسلام از میان رفت و غمگنانه باید پذیرفت که دیگر اثری نمانده است تا دلالت بر صاحب اثر کند؛ اما در کنار و بر کنار از این‌انده کاهنده جان، چه باید کرد تا آیندگان، باری باور کنند و انکار نکنند که در مکه مکرمه، پیامبر ﷺ را زادخانه و خدیجه را خانه بوده است و مسلمانان بر فراز کوه ابو قیس در جای رؤیت شق القمر مسجدی ساخته بودند و... این‌ها همگی مکان‌هایی بوده است که تا پیش از سیطره و هابیان بر حجاز، جملگی بر پا بودند و دلالت‌ها داشتند و دل می‌ربودند و مردم در آن‌ها پای جای رسول الله ﷺ را جان بوسه می‌زدند و بر آن، گونه می‌ساییدند و به دیده‌اش غبار می‌زدودند و دست عشق بر آن می‌سودند و بدان تبرک می‌جستند که جای پای محمد ﷺ است، بوی حبیب می‌دهد.^{۱۴}

این گره، مگر با نگاشتن کتاب‌هایی مانند آنچه استاد ابو سلیمان پرداخته است، گشودنی نیست و هم از این روست که ایشان با استناد به سیره نامه‌های نبوی و آثار موجود در تاریخ مکه مکرمه و مناسک نامه‌های حج و منابع فقهی و تواتر محلی، اثری درخور و خواندنی آفریده است تا شرح و شکافتی بدیع و مفید از مکان‌های مقدس تاریخی - اسلامی مکه مکرمه رقم خورد و چراغی باشد فرا راه جویندگان.

اشارتی بر محتوای کتاب

کتاب «الأماكن المأثورة المتواترة في مكة المكرمة - عرض و تحلیل» که با عنوان مکان‌های تاریخی مکه مکرمه (آن چه بود، آن چه هست) ترجمه شده است.^{۱۵} از مقدمه، شش فصل ۲-۳ گفتاری و چند پیوست برآمده است. در مقدمه به فلسفه نگارش کتاب اشار شده و از اهمیت میراث فرهنگی در انتقال میان نسلی فرهنگ سخن رفته است و به بایستی پیمودن راه پیشینیان در پاسداشت میراث اسلامی و تلاش برای زنده داشت یاد این میراث در دل و دماغ نسل‌ها و پیش‌گیری از گم‌گشت آن‌ها در دل تاریخ پرداخته شده است.

* فصل یکم، سرآغاز نگارش در باره مکان‌های تاریخی مکه مکرمه است.



گفتار نخست این فصل با اشارتی به بشارت حسن بصری به یکی از دوستانش به روا شدن دعا در شماری از مکان‌های مکه مکرمه و یادآوری فضایل آن‌ها سر می‌گیرد و افزوده می‌شود که دیگران نیز از این نکته در آثار خود یاد کرده‌اند.

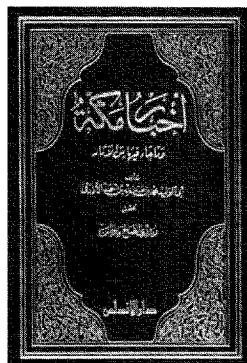
گفتار دوم این فصل نیم‌نگاهی است به مواضع و دلیستگی صحابه و تابعین نسبت به مکان‌های تاریخی بازمانده از صدر اسلام در مکه مکرمه و مدینه منوره. برای نمونه، از زبان قاضی عیاض آمده است که بزرگداشت وسایل منسوب به حضرت رسول ﷺ و مکان‌هایی که آن حضرت در آن‌ها آمد و شد کرده است، بزرگداشت آن حضرت به شمار می‌رود. پرداختن به این امور، بای مهم در آثار پیشینان بوده است.

* فصل دوم، در باره مکان‌های تاریخی در منابع تاریخی است.

گفتار یکم این فصل از مکان‌های تاریخی در سیره نگاشت‌های نبوی سخن گفته است از آن‌هاست: «الاستیعاب فی معرفة الأصحاب» اثر ابن عبدالبر؛ «الروض الأتف فی شرح السیرة النبویة لاین هشام»، نوشته سهیلی؛ «متاع الاسماع بما للرسول من الابناء و الاموال و الحفدة و المتاع»، اثر مقریزی؛ «سبیل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد»، نوشته محمد بن یوسف الصالحی. در این چند اثر به زادخانه پیامبر خدا ﷺ پرداخته شده است.

گفتار دوم، به بررسی مکان‌های تاریخی در کتاب‌های خاص تاریخ مکه مکرمه اختصاص یافته است. این کتاب‌ها عبارت‌اند از:

۱. «أخبار مكة و ما جاء فيها من الآثار»، از زرقی. نگارنده در بازشکافت مطلب از جایگاه ممتاز ازرقی و کتاب بی‌بدیلش در تاریخ مکه می‌نویسد و سپس به شرح مکان‌های زیر در این کتاب می‌پردازد: زادخانه نبوی، خانه خدیجه علیها السلام، خانه ارقم بن ابی ارقم، مسجدی در بالای دست مکه کنار چاه جیبر بن مطعم، مسجد جن، مسجد شجره، مسجدی در بالای دست مکه کنار سوق الغنم، مسجد سرر، مسجدی در عرفه سمت راست موقوف، مسجد کبش، مسجدی در ذی طوی، غار حرا، غار ثور، مسجد البیعه، مسجد جعرانه و مسجد تنعیم.



۲. «أخبار مكة في قديم الدهر و حديثه»، فاکهی. در این کتاب به مکان‌های زیر پرداخته شده است: زادخانه نبوی، خانه خدیجه علیها السلام، مکانی در اجیاد صغیر که به آن متکا گفته می‌شود، مسجد خانه ارقم بن ابی ارقم، مسجدی در عرفه که مسجد ابراهیم خوانده می‌شود، مسجد کبش، مسجدی در بالای دست مکه در ردم اعلی، مسجد حرس، مسجد البیعه، مسجد شجره، مسجد سرر، مسجدی در نزدیکی برامین، مسجدی در شعب علی علیه السلام، مسجدی در ذی طوی، مسجد شجره پایین‌تر از محله یا جج، مسجدی در کوه ثور، مسجدی در کوه حرا. نگارنده در ادامه این گفتار به مقایسه سیاهه مکان‌ها در کتاب ازرقی و فاکهی می‌پردازد.

۳. «شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام»، فاسی. وی به مکان‌های زیر اشاره کرده است: مسجدی در بالا و نزدیک مجزره بزرگ، مسجد الرایه، مسجدی که به آن مختبأ گویند، مسجد

ابوبکر، مسجد الاجابه، مسجد البيعه، مسجدی در منا نزدیک خانه‌ای معروف به دارالمنحر، مسجد کبش، مسجد خیف در منا، مسجدی در تنعیم، مسجد فتح، زادخانه نبوی، زادخانه حضرت زهرا علیها السلام، زادخانه علی علیه السلام، زادخانه امام جعفر صادق علیه السلام، خانه ابوبکر، خانه ارقم ابن ابی ارقم، خانه عباس بن عبدالمطلب، مسجد مرسلات.

شرح شیوه فاسی در معرفی این مکان‌های مقدس، از دیگر مطالب این بخش از سخن است.

۴. «جامع اللطیف فی فضل مکه و أهلها و بناء البيت الشریف»، ابن ظهیره قرشی.

در گفتار پایانی این کتاب زادخانه‌ها، خانه‌ها، مسجدها، کوه‌ها، آرامگاه‌های مکه مکرمه و اکاوی شده است. زادخانه حمزه سید الشهداء، زادخانه عمر، مساجدی که ازرقی از آنها نام برده اما اکنون از آنها اثری نیست، از بحث‌های تازه این کتاب است.

۵. «الاعلام بأعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفة»، نهروالی. سخن فرجامین این کتاب، در باره مکان‌های تاریخی مکه مکرمه است و در آن به گونه‌ای روشمند و مبسوط به این مکان‌ها پرداخته شده است. وی تنها مکان‌هایی را که در روزگار او شناخته شده بوده‌اند و اشکافته است.

۶. «الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء»، عبدالقادر طبری. او فصل سوم کتابش را به معرفی زادخانه‌ها، مساجد، نوانخانه‌ها و محل‌هایی در مکه مکرمه که زیارت آن‌ها مستحب است اختصاص داده است. زادخانه نبوی، زادخانه حضرت زهرا علیها السلام، خانه خدیجه علیها السلام، خانه خیزران، از جمله مکان‌ها معرفی شده در این کتاب است.

۷. «منائح الکریم فی اخبار مکه و البيت و ولایة الحرم»، سنجاری. در این اثر، ذیل مکان‌های مکه و زیارتگاه‌های آن، به این مکان‌های تاریخی پرداخته شده است.

۸. «تحصیل المرام فی اخبار البيت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام»، ابن صباغ. او در فصل سوم کتاب به مکان‌های زیارتی مکه مکرمه اشاره نموده و از روا شدن دعا در آن‌ها گفته است.

۹. سالنامه «العربیة فی شأن الدولة العثمانیه». در شماره چاپ شده در ۱۳۰۳ق. این نشریه، به مکان‌های تاریخی مکه مکرمه پرداخته شده است.

۱۰. «العقد الثمین فی فضائل البلد الامین»، خضراوی. در فصل سوم این کتاب به بررسی

۳۱ مکان پرداخته شده است.

۱۱. «افادة الانام بذکر أخبار بلد الله الحرام»، غازی. فصل سوم تا ششم این کتاب، خاص

و اکاوش مکان‌های تاریخی مکه مکرمه است.

۱۲. «ملخص مناسک الحج و یلیه دلیل الآثار المطلوبة فی مکه المحبوبة»، طرابلسی. وی ۳۰

مورد از مکان‌هایی را که دربر دارنده مشاعر مقدس است بر شمرده و نقشه مکه مکرمه را

ترسیم کرده و محل مکان‌های تاریخ در مکه مکرمه را بر آن معلوم داشته است.

۱۳. «معالم مکه التاريخية والأثرية»، بلاذی. این کتاب فراگیرترین اثر در موضوع خود است.

گفتار سوم،^{۱۶} معرفی مکان‌های تاریخی مکه مکرمه در کتاب‌هایی است که به تاریخ مکه

مکرمه و مدینه منوره پرداخته‌اند. در این گفتار به دو کتاب اشاره شده است:

۱. «تاریخ مکه المشرفة و المسجد الحرام و المدينة الشریفة و القبر الشریف»، اثر ابن ضیا.

فصل دوم و هفتم این کتاب در باره مکان‌های مقدس در مکه مکرمه است که نمازگزاران

در آن‌ها و زیارت آن‌ها مستحب است.

۲. «موسوعة مرآة الحرمين الشرفین و جزيرة العرب»، نوشته ایوب صبری پاشا. این اثر پنج

جلدی در نیمه دوم قرن سیزدهم قمری، به قلم یکی از اتباع ترکیه عثمانی - که مورخ و عامل

حکومت عثمانی در مکه مکرمه بوده - نگارش یافته است. وی در نگارش این کتاب از منابع

تاریخی و مشاهدات شخصی خود بهره برده و تألیف کتابش هفده سال به طول انجامیده

است و اثری به راستی خواندنی و در نوع خود کم نظیر آفریده است.

در جلد دوم این کتاب به ۳۹ مکان مقدس در مکه مکرمه و در جلد چهارم آن به ۴۰

مسجد میان مکه مکرمه و مدینه منوره پرداخته شده است.

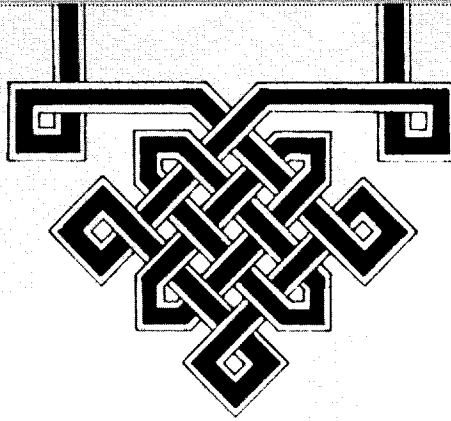
گفتار چهارم، تک نگاشت‌هایی در نثر و نظم در باره مکان‌های تاریخی مکه مکرمه.

الف) تک نگاشت‌هایی به نثر:

۱. «عده الاتابة فی أماكن الإجابة»، محبوب. در این اثر، ذیل هر یک از مکان‌هایی که

گفته شده، دعا در آن‌ها روا می‌شود، مطالبی آمده است. این کتاب به‌واقع شرحی است بر

ابیاتی در این زمینه.



۲. «تحفة الأنام فی مآثر البلد الحرام»، زواوی، در این کتاب هم به شرح مکان‌هایی که دعا در آن‌ها روا می‌شود پرداخته شده و آمده است که فضیلت این مکان‌ها تابع فضیلت کسانی است که در آن‌ها نماز گزارده‌اند یا سکونت داشته‌اند یا زاده شده‌اند.

۳. «معالم مكة التاريخية و الاثرية»، بلاذی، در این کتاب دانشنامه‌ای، مکان‌های تاریخی مکه مکرمه چینش الفبایی شده و شرح داده شده‌اند.

ب) تک نگاشت‌هایی به نظم:

شماری از عالمان - خواه فقیه، خواه مورخ - آثاری به نظم در باره مکان‌های تاریخی مکه مکرمه پرداخته‌اند، مانند: ابو جعفر احمد بن محمد مرادی، عبدالملک بن جمال الدین عصامی، محمد بن علان صدیقی.

* فصل سوم، مکان‌های تاریخی مکه مکرمه در تألیف‌های فقهی. در گفتار نخست این

فصل از مکان‌های تاریخی در آثار زیر سخن رفته است:

۱. «مثیر الغرام الساکن علی اشرف الاماکن»، ابن جوزی، در این کتاب به هفده مکان تاریخی؛

اعم از زادخانه و مسجد و منزل در مکه مکرمه پرداخته شده است.

۲. «البحر العمیق فی مناسک العمرة و الحج إلى البیت العتیق»، ابن ضیا، در این اثر، از

مکان‌هایی که زیارت آن‌ها مستحب و دعا در آن‌ها رواست، ذیل مساجد، زادخانه‌ها و خانه‌ها یاد شده است.

۳. «لباب المناسک و عباب المسالک»، سنندی مالکی، وی ذیل سه عنوان به این مکان‌ها

اشاره کرده است: مکان‌های اجابت دعا، مکان‌هایی از مسجد الحرام که پیامبر خدا ﷺ در

آن‌ها نماز گزارده است، زیارت مکان‌هایی که به فضیلت شهره‌اند.

۴. «ارشاد السالک إلى أفعال المناسک»، ابن فرحون. در این کتاب مطالب، ذیل این عنوان گنجانده شده است: شرح آثار شریف مکه که شایسته است بدان‌ها تبرک جست.

۵. «الایضاح فی مناسک الحج و العمرة»، نویی. او مکان‌های زیارتی مکه مکرمه را هیجده مورد دانسته و به شرح هر یک پرداخته است.

۶. «القری لقاصد أم القری»، محب طبری. در این اثر، که عظیم‌ترین و برترین کتاب در مناسک است، از نوزده مکان تاریخی سخن رفته است.

۷. «هدایة السالک إلى المذاهب الأربعة فی المناسک»، ابن جماعه. در این کتاب به فضیلت زیارت زادخانه نبوی، خانه خدیجه رضی الله عنها، مسجدی در دار خیزران... اشاره شده است.

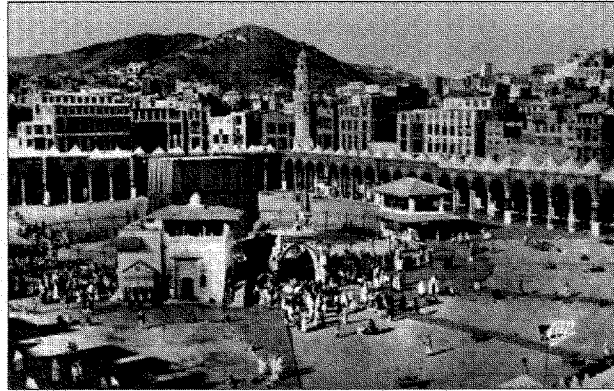
۸. «فتح الفتاح فی شرح الايضاح للنوی»، ابن علان صدیقی. وی از فضیلت ذاتی و اکتسابی مکان‌های تاریخ مکه مکرمه یاد کرده و به نوزده مکان پرداخته است.

گفتار دوم این فصل در باره تحلیل علمی عناوین فقهی مکان‌های تاریخی مکه مکرمه در آثار فقیهان است و در آن پس از بیان مفهوم استحباب، از قول چهارده تن از بزرگان اهل سنت به استحباب نماز گزاردن و دعا کردن در مکان‌های تاریخی مکه مکرمه اشارت رفته و افزوده شده است که بی‌گمان مکان‌ها به اعتبار کسی که در آن‌هاست یا آنچه در آن‌ها رخ داده است، نسبت به یکدیگر برتری دارند.

* **فصل چهارم**، شواهد وجود تواتر محلی در باره مکان‌های تاریخی در مکه مکرمه است:

در گفتار یکم این فصل، پس از بیان مفهوم و چگونگی حصول تواتر محلی، به نمونه‌هایی از تواتر محلی در آثار عالمانی چون ابن ظهیره در کتاب «الجامع اللطیف فی فضل مکه و أهلها و بناء البيت الشریف» و ابن ضیا در کتاب «البحر العمیق فی مناسک العمرة و الحج إلى البيت العتیق» پرداخته شده است.

گفتار دوم این فصل درباره عنایت ملک عبدالعزیز به مکان‌های تاریخی مکه مکرمه است و در آن، به حکم دادگاه شرع، مبنی بر موقوفه بودن زادخانه نبوی و موافقت دادگاه با درخواست بازماندگان شیخ عباس قطان برای ایجاد کتابخانه در آن محل مبارک، و نیز



موافقت با درخواست آنان برای وقف خانه حضرت خدیجه رضی الله عنها و ایجاد مدرسه‌ای در آن برای حفظ قرآن کریم اشاره شده است. در متن درخواستی، مطالبی آمده است که به تواتر محلی، دال بر صحت انتساب این دو مکان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه کبری رضی الله عنها آشکارا دلالت دارد.

*** فصل پنجم، دیدگاه علما در باره زیارت مکان‌های تاریخی در مکه مکرمه.**

در گفتار یکم این فصل به دیدگاه مخالفان زیارت این مکان‌های مقدس و در گفتار دوم آن به آرای موافقان این کار اشارت رفته است.

*** فصل ششم، در باره وضع کنونی مکان‌های تاریخی در مکه مکرمه است.**

در گفتار یکم این فصل از مکان‌های تاریخی از میان رفته مکه یاد شده است. این مکان‌ها شامل ۸ مسجد و ۵ منزل است.

در گفتار دوم، مکان‌های تاریخی برجای مانده در مکه مکرمه معرفی و به تغییرات و تعمیرات صورت گرفته در آن‌ها اشاره شده است. این مکان‌ها شامل زادخانه نبوی، مسجد الرایه، مسجد الاجابه، مسجد البیعه، مسجد خیف، مسجد ابوبکر، مسجد تنعیم، مسجد فتح، مسجد جن، مسجد جعرانه، غار حرا و غار ثور است.

در پیوست یکم که دامن فراخترین فراز کتاب است، به شرح و شکافت زندگی علمی و برشمردن آثار مؤلفانی که در باره مکه مکرمه قلم سوده‌اند و در این کتاب از آثار آنان یاد شده، پرداخته است. مؤلف با استفاده مستقیم از مقدمه محققان بر این کتاب‌ها به این امر پرداخته و در این زمینه کاری علمی صورت نداده است.

اشارتی کوتاه به رهیافت استاد ابو سلیمان در این کتاب

مؤلف محترم با عنایت و اعتراف به فرهی جایگاه این مکان‌های مقدس در ذهن و زبان مسلمانان، در تلاشی ستودنی توانسته است با استناد به تواتر علمی برآمده از منابع پرشمار و گوناگون علمی، و تواتر محلی، نیک اثبات کند که مکان‌های بررسی شده در این کتاب، به راستی در مکه مکرمه وجود داشته‌اند و انتسابشان به پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت و صحابه گرامی آن حضرت خدشه‌ناپذیر است و تردید و انکار برخی کسان، از سر ناآگاهی و بی‌ارزش است.

همچنین از متن کتاب بر می‌آید که برخلاف شیوه ناستودنی و دور از سیره و سنت قوم وهابی، سلف صالح مورد اعتماد مؤلف بر روایی بل استجاب زیارت این مکان‌ها و نماز گزاردن در آن‌ها گردن نهاده‌اند و خود برای رضای رب و پاسخ به عشق به پیامبر ﷺ چنین می‌کرده‌اند.

مؤلف گرامی، خواسته یا ناخواسته، بر خطا بودن تخریب این مکان‌ها اعتراف بل اعتراض کرده و آن‌ها را مبارک خوانده است و صفت مبارک را وصف کاشف برای این مکان‌ها دانسته و پذیرفته است که مکان‌ها به اعتبار کسی که در آن‌ها آمد و شد کرده یا رخدادی که در آن‌ها روی داده است نسبت به یکدیگر برتری دارند. وی تصریح می‌کند: هر مکانی که پیامبر خدا ﷺ در آن فرود آمده، مبارک است و هیچ مسلمان جاهلی با این امر مخالفت نمی‌ورزد، چه رسد به عالم عاقل. با این حال به این گونه مکان‌ها توجه نمی‌شود، نمونه‌اش مسجد البیعه است که به تازگی مخروبه آن در پس کوه عقبه کشف شده است. وی گاه متأثر از فطرت مسلمانی خود، از باقی ماندن پاره‌ای از مکان‌های مقدس در مکه مکرمه ابراز شادمانی می‌کند و اندوه خود را از بی‌توجهی به مکان‌های مقدس، این گونه بیان می‌دارد:

«اندوه سینه را می‌فشارد که به تاریخ اسلامی شماری از این مکان‌ها توجه درخور نمی‌شود.

مکان‌های تاریخی دو شهر مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره نمادهای و نشانه‌های زنده تاریخ اسلام و مکان‌های سرنوشت ساز آن است و از

میان بردن آن‌ها تاریخ اسلام را در نگاه نسل‌های آینده به افسانه بدل می‌سازد.

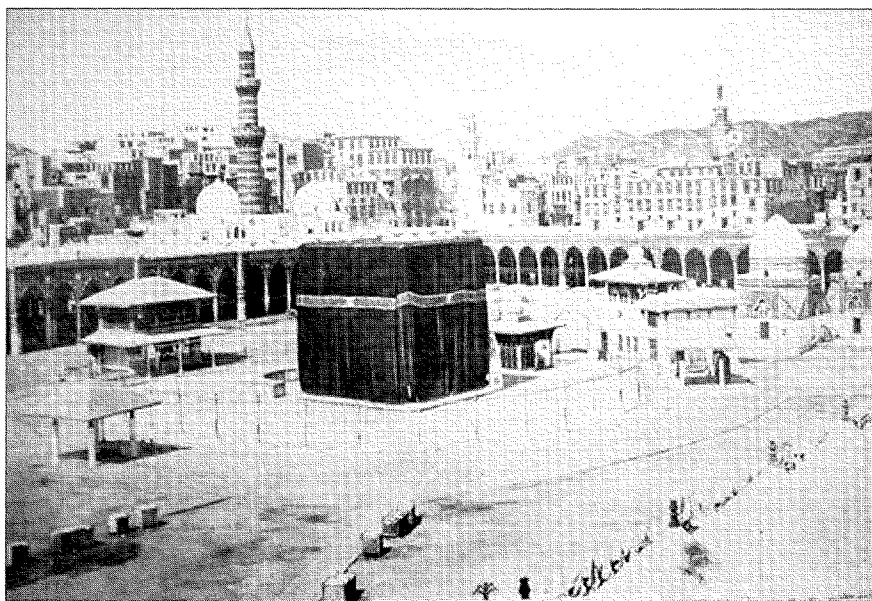
فراخوانی به نابودی مکان‌های تاریخی دو شهر مکه مکرمه و مدینه منوره از میان بردن تاریخ اسلام در زادخانه اصلی آن است.

تا آنجا که می‌دانیم شیوه سلف صالح حتی اگر مخالف زیارت این مکان‌ها بوده‌اند، فراخوانی به از میان بردن آن‌ها نبوده است.

آری، بزرگداشت هرکس که خدا او را بزرگ داشته، بزرگ داشت خداوند و گرامی داشت هر کس خدا او را گرامی داشته، گرامی داشت خداوند است.»

این سخنان، گونه ای روی برتافتن از تندروی‌های خرد ناپسند قوم وهابی است که به از میان رفتن آثار تاریخی - اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره انجامیده و پاره مجسم بخشی از تاریخ اسلام را بر باد داده است.

کاش در میان عالمان و بزرگان قوم در حجاز، خانه تکانی عقلانی صورت می‌گرفت تا مسلمانان از نابرداری‌های این قوم و رفتار خنک آنان اندکی می‌آسودند و بیش از این به باورهای آنان بی‌حرمتی نمی‌شد و دیگر



یادگاری از پیامبر خدا ﷺ و یارانش از میان نمی‌رفت.
آن‌چه دکتر ابوسلیمان کرده و گفته است، نیک‌ترین کار برای زنده داشت
یاد و نام این مکان‌های مقدس در ذهن و زبان مردم و انتقال نوشتاری
میراث از میان رفته گذشتگان به آیندگان است.

اشارتی کوتاه به پاره‌ای از کاستی‌های این اثر

گذشته از کاستی‌های محتوایی و ویرایشی این کتاب که در فرازی «از
این ترجمه» اندکی بدان‌ها خواهم پرداخت، در این‌جا یادآور می‌شوم که
به‌جا بود برای باز شکافت موضوع، از سفرنامه‌های جهان‌گردانی چون
ابن جبیر و حج‌نامه‌های فراوان حاجیانی چون ابراهیم رفعت پاشا^۳ و
اشارات شاعران عرب به مکان‌های مقدس از میان رفته در مکه مکرمه
هم بهره برده می‌شد.

از ترجمه کتاب

مترجم در ترجمان این اثر کوشیده است در کنار پابندی به امانت و پاسداشت اصالت
متن مبدأ، زبان مقصد را از تأثیر زبان مبدأ دور بدارد و متنی به کمال فارسی بیافریند.
گاه در متن و پانویست‌های ارجاعی مؤلف محترم خطاهایی رخ داده است که درخور
چشم‌پوشی نبود؛ از این رو، مترجم مجبور شد آن مایه که توانست، منابع مورد استفاده
مؤلف محترم را فراچنگ آورد و دشواری تحقیقی دوباره را بر خود هموار سازد و درستی
متن و ارجاعات را واکاود و موارد نادرست را - که از قضا بسیار بود - دوباره بار آورد. این
اصلاحات در پانویست‌ها با [] و . م ، و در متن با [] مشخص شده است.
گفتنی است از نزدیک به ۵۵۰ پانویست کتاب بیش از ۳۸۰ مورد آن از مترجم است؛
وانگهی مترجم در بیش‌تر موارد باقی مانده هم تصرفاتی کرده است که در [] نهاده
شده‌اند.

پاره‌ای اشارات مؤلف محترم با عقاید شیعه و حقیقت‌ساز نمی‌آمد، این‌گونه مطالب
حذف شد؛ چه، جای شرح و نقد سخن نبود.

گاه سخنان مؤلف محترم ابهام داشت و کز می نمود، در این موارد نیز مترجم وادار شد با مراجعه مکرر به منابع موجود و افزودن پانوشتهایی توضیحی، این ابهام و نادرستی ها را بزدايد.

شماری از واژگان که بار تاریخی دارند و بازشکافت مفهومی آنها برای خواننده فارسی زبان سودمند می تواند بود، در پانوشته شرح داده شد.
جای گفتار سوم در فصل دوم خالی می نمود، افزوده شد.
تنظیم و ترتیب منابع در کتاب نامه مؤلف محترم ناقص و غیر فنی بود، از این رو، هم چینش مشخصات کتاب شناختی منابع و هم چینش خود منابع باز آفرینی و به سامان شد.
منابع و مراجع مترجم در انتهای کتاب آورده شد.
نمایه ای چند به کتاب افزوده شد تا بهره گیری از کتاب آسان تر افتد.

بی‌نوشت‌ها:

۱. این سخن، فتوای شماره ۱۶۶۲۶ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز از مفتیان بنام عربستان است که در سال ۱۴۱۴ قمری صادر شده است.

۲. امروزه از بسیاری از این مکان‌های مقدس و تاریخی، جز نامی در کتاب‌ها نمانده است.

۳. وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفی، سمهودی، ج ۲، ص ۴۸۱

۴. برخی از عالمان اهل سنت، مدینه منوره را به اعتبار وجود پیکر مقدس حضرت رسول ﷺ در مسجد النبی، حتی از مکه مکرمه با فضیلت‌تر می‌دانند و در این باره چنین سروده‌اند:

حرم الجميع بأن خير الارض ما قد حاط ذات المصطفى و حواها
و نعم لقد صدقوا بساكنها علت كالفنس حيسن زكمت مأواها

و کسانی که بر این برتری گردن نهاده‌اند باری این دو شهر را در فضیلت همپایه می‌دانند. بنگرید به: موسوعة مرآة الحرمين الشريفين و جزيرة العرب، صبری باشا، ص ۱۳۰

۵. محمد علی علان صدیقی (۹۸۰ - ۱۰۵۸) که از علمای اهل سنت است کتابی قلمی ساخته است با عنوان «النفحات الأریجة فی متعلقات بیت أم المؤمنین خدیجه».

۶. «نصيحة لإخواننا علماء نجد»، رفاعی، ص ۵۹

۷. «ایان الشیعه»، امین، ج ۱، ص ۵۹

۸. بنگرید به: «الشبهات، محمد بن عبدالوهاب»، ص ۲۲۷ و ۲۲۸ به نقل از تاریخ العربیة السعودیة، فاسیلیف، ص ۹۳

۹. اشارتی است به ترهات پاره‌ای از وهابیان، برای نمونه محمد بن عبد الوهاب از صلوات بر محمد و آل محمد با صدای بلند باز می‌داشته و کسانی را که در گذسته‌ها به هنگام اذان بر او صلوات می‌فرستادند، مجازات می‌کرد بل می‌کشت و می‌گفت: از نگاه من گناه نوای رباب در خانه روسپی از گناه صلوات بر پیامبر بر فراز منابر بیش‌تر است (روضه المحتاجین لمعرفة قواعد الدین، بیبرس، ص ۳۸۴). حال آن که حریفیش (در ۸۰۱ ق.) که از اهل سنت است می‌گوید:

من زار قبر محمد نال الشفاعة فی غد
بالله کرر ذکره و حدیثه یا منشدی
و اجعل صلاتک دائماً جهراً علیه تهتدی

نیز محمد بن عبدالوهاب گفته است که محمد طارشسی (چاپاری) بیش نبوده است. یکی از اطرافیان‌ش در حضور او می‌گوید: چوب دست من از محمد برتر است! چه باری با آن می‌توان گزنده‌ای را کشت، حال آن که محمد مرده است و دیگر بهره‌ای نمی‌رساند. او طارشسی (چاپاری) بوده که در گذشته است (روضه المحتاجین لمعرفة قواعد الدین، بیبرس، ص ۳۵۸). محمد بن عبدالوهاب حتی زیارت مزار پیامبر خدا ﷺ را حرام و بدعت می‌داند، حال آن که اهل سنت بر سر وجوب و استحباب این کار اختلاف دارند و بی‌تردید

حرام دانستن آن خرق اجماع و بدعتی بس شنیع است.

۱۰. دولت شبه جزیره انگلیس به پاس خدمات ملک عبدالعزیز، به وی لقب شوالیه فرقه باث a Knight of the Order of the Bath می دهد، و ملک فهد خادم الحرمين الشريفین هم با الیزابت، ملکه انگلیس عکسی گرفته است که در آن نشان بریتانیا با نماد صلیب برگردن آویخته است.

۱۱. مرادم از این اصطلاح، کنایتی است به رفتار کسانی چون عبدالعزیز بن عبدالله آل الشیخ، رئیس وقت شورای علمای اعلم عربستان و عبدالله بن جبرین و صالح لهیدان از اعضای آن شورای فقهی که برپایی تظاهرات در حمایت از مردم غزه و تظاهرات علیه رژیم صهیونیستی را رخنه در توحید و حرام می دانند و مزدورانه اعلام می دارند که هدف مقاومت اسلام در لبنان گشودن پای اسرائیل به سرزمین های اسلامی است.

۱۲. پیشینه آثاری که در رد بر این تیمه و عبدالوهاب نگاشته شده، حاصل قلم فرسایی عالمان غیر شیعه است. بنگرید به: السلفیة الوهابیة أفكارها الأساسیة و جذورها التاریخیة، سقاف، ص ۱۴۶-۱۳۳ (در این کتاب از ۱۰۵ اثر در رد و نقد این مسلک یاد شده است).

۱۳. دکتر ابو سلیمان در ۱۳۵۶ قمری در مکه مکرمه زاده شد و بالید تا در سال ۱۳۹۰ قمری از دانشگاه لندن با درجه دکتری فارغ التحصیل گشت. وی در سال ۱۴۰۳ قمری در دانشگاه ام القرای مکه مکرمه به رتبه استاد تمامی رسید. از ابو سلیمان بیش از ۵۰ اثر علمی در قالب کتاب و مقاله به چاپ رسیده است. او همچنین مسؤلیت های علمی و اجتماعی فراوانی را گردن نهاده است و در همایش های پرشماری در سطح ملی و بین المللی در داخل و خارج عربستان شرکت جسته است.

۱۴. در استفتای عبدالله بن بلیهد، قاضی القضاة وهابیان از علمای مدینه در خصوص آنچه این قوم آن را بدعت و کفر می خوانند که در روزنامه ام القری (مکه، ۱۷ شوال، ۳۳۴ قمری، شماره ۶۹) از جمله آمده است که آیا گشتن به دور ضریح نبوی و بوسیدن و دست سودن به آن و روبه آن دعا کردن مشروع است؟ ۱۴ تن از علمای مدینه در فتوایی جمعی این اعمال را مطلقاً ممنوع و خلاف شرع معرفی می کنند (الرد علی فتاوی الوهابیین، سید حسن صدر، ص ۲۹ و ۳۰). حال آن که حضرت زهرا علیها السلام چون رسول الله صلی الله علیه و آله به خاک سپرده شد، بر مزار آن حضرت حاضر شد و از خاک آن برگرفت و بر دیده نهاد و چنین مرثیه سرایی نمود:

ما ذا علی من شم تریة أحمد أن لا یشم مدی الزمان غوالیا
صبت علی مصائب لو أنها صبت علی الأيام صرن لیالیا

نیز مالک و عبدالله بن عمر به منبر نبوی تبرک می جستند و ابو ایوب انصاری که از کبار صحابه است قبر مبارک را در آغوش می کشیده است و بلال مؤذن رسول الله صلی الله علیه و آله چهره بر مزار نبوی می سوده است (تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۸، ص ۱۳۷؛ اعلام النبلاء، ذهی، ج ۱، ص ۱۵۸؛ وفاء الوفا، سمهودی، ج ۴، ص ۱۴۰۳، نیز الغدیر، امینی، ج ۵، صص ۱۵۱-۱۴۶). روشن است که این افراد از این بوسه و دست سودن و

در آغوش کشیدند‌ها جز فرو کاستن از اندوه فراق و نشان دادن پایه و مایهٔ دل بستگی خود به رسول الله ﷺ در پی چیزی دیگر نبوده اند:

أَمْرٌ عَلَيَّ الدِّيَارِ دِيَارِ لَيْلِي أَقْبَلُ ذَا الْجِدَارِ وَذَا الْجِدَارِ
وَمَا حُبُّ الدِّيَارِ شَفَعَنَ قَلْبِي وَلَكِنْ حُبُّ مَنْ سَكَنَ الدِّيَارِ

همچنین عبدالله بن عمر، ابو حنیفه، مالک، زرقانی، ابن جماعه، سبکی، محمد بن همام که جملگی از عالمان اهل سنت‌اند تأکید کرده‌اند که رو به مزار شریف نبوی دعا کردن از دعا کردن رو به کعبه بهتر است (الدرر السنیه فی الرد علی الوهایبه، دحلان، ص ۲۲ و ۲۳).

۱۵. این کتاب به درخواست مرکز تحقیقات حج (پژوهشکدهٔ حج و زیارت کنونی) و به این قلم ترجمه شده و آماده نشر است.

۱۶. این گفتار افزودهٔ مترجم است.

۱۷. ابراهیم رفعت پاشا، سرلشکر مصری علاقه‌مند به زیارت خانهٔ خدا، چهار بار (۱۳۱۸، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۵ قمری) به مکهٔ مکرمه مشرف شده است. وی حمله دار مصریان بوده و در زندگینامهٔ خود نوشتش آورده است که در هر چهار سفر کوشیدم هر چه می‌بینم ثبت و ضبط کنم. برآیند این کار کتاب مرأة الحرمین أو الرحلات الحجازیه و الحج و مشاعره الدینیة محلاة بمئات الصور الشمسیة (قاهره، مکتبه الثقافة الدینیة، بی تا) است که گذشته از مشاهدات نگارنده، به منابع تاریخی فراوانی هم مستند شده است و در آن، گذشته از اشاراتی به تاریخ زندگی پیامبر خدا ﷺ، نکاتی بس ارزشمند در بارهٔ مکهٔ مکرمه و مدینهٔ منوره و مکان‌های مقدس این دو شهر و شهر جده و مسائل آماری پرشماری در باب حج و آداب و رسوم مردم مکه و مدینه و بسیاری مطالب دیگر در آن گرد آوری گشته است که برای اهل تحقیق بس مغتنم و خواندنی افتاده است. برای نمونه رفعت پاشا، در بارهٔ کتاب‌خانه‌های مدینهٔ منوره آورده است که در این کتاب خانه‌ها ۲۱۸۵۵ نسخه بسیار نفیس نگاهداری می‌شود.